

## تحولات انقلابی در دولت مهدی(عج)

دکتر صالح حسن زاده  
استادیار دانشگاه علامه طباطبائی

### چکیده:

اعتقاد به قیام و انقلاب مهدی(ع) و ظهور یک مصلح کل در سرانجام جهان اختصاص به مذهب شیعه ندارد، و لیکن شیعه تنها تمدنی است که منجی و موعودش یک موجود زنده و عینی است. منجی و مصلح تمدنهای دیگر، ذهنی و همانند قابی بر سینه آسمان است. اما شیعه با امام زمان زنده نفس می‌کشد. امام زمان در عرصه‌های فقه و اصول، سیاست و فرهنگ شیعه واقعاً حضور زنده و فعال دارد. امام زمان شیعه، کسی است که صلح، عقل و عدل را در جهان محقق می‌سازد. مهدی(ع) رابطه حسنه انسان با خدا و انسان با انسان را برقرار خواهد ساخت؛ عوامل نفاق، ظلم و جهل در دولت منتظر برانداخته خواهد شد. در دولت منتظر به طور ویژه، امنیت و سلامت روانی و اجتماعی محقق خواهد شد. در این دولت بشر با رسیدن به بلوغ عقل و علم از مظالم انواع حکومت‌های ظالم و غاصب نجات می‌یابد. این اعتقاد یقینی و جدی است که مسیحیت متحد با صهیونیست را به سیاست‌گذاری عجولانه در خصوص پیش بینی آینده واداشته است. بسیاری از فیلم‌های سینمای غرب و هالیوود در دهه‌های اخیر در جهت مقابله با دگرترین مهدویت، ساخته شده است. بنابراین بر مسئولان فکری، فرهنگی و دینی شیعه ضروری است که مهدویت یعنی تجلی باطنی مذهب شیعه را با استفاده از همه امکانات، فنون و هنرها، وارد بازار فکر و اندیشه و جامعه منتظر نمایند.

کلید واژه: دولت منتظر، کار ویژه، علم، عدل، امنیت و رفع بحران.

## مقدمه:

متجاوز از سه هزار حدیث از پیامبر اسلام (ص) و از امامان معصوم (ع) درباره امام زمان در دست داریم. این روایات در کتب شیعه و سنی ذکر شده است. عده‌ای از بزرگان اهل سنت درباره امام زمان کتاب ویژه‌ای تألیف کرده اند. نویسندگان دائرة المعارف مختصر اسلامی، در زیر کلمات «Isá»، «Al Mahdi» و «Shía» می‌گویند: «در میان همه دانشمندان متقدم و متأخر شیعه و سنی مشهور است که سرانجام مردی از اهل بیت پیامبر (ص)، از عترت و از فرزندان فاطمه (س) که نام او همانم پیامبر (ص) است، ظهور می‌کند؛ وی بر تمام کشورهای اسلامی و غیر اسلامی نفوذ پیدا می‌کند و مردم جهان از او پیروی می‌کنند؛ در میان آنان حکومت بر پایه عدالت و عقل، تقسیم کار و مدیریت توسط شایستگان را برقرار می‌کند و دین اسلام را احیا و اجرا می‌نماید.»

شیخ علی منصور علی ناصف از دانشمندان مشهور «جامع الازهر» مصر در کتاب «التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول» می‌گوید: «اخبار و روایات قیام و تشکیل حکومت عادلانه مهدی (عج) را گروه زیادی از بزرگان صحابه پیامبر (ص) روایت کرده اند و بزرگان محدثان، مانند ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، طبری، ابویعلی، بزازی، امام احمد حنبل و حاکم نیشابوری، رضی الله عنهم، این اخبار و روایات را در کتابهای خود آورده اند»

## مصلح اسلام

انتظار و امید به آینده بهتر در میان همه ملل و ادیان بوده و هست. انتظار در فطرت تمام بشر نهاده شده است؛ نهایت، اختلاف در شخص پرچمدار آن مدنیت و رهبر آن حکومت جهانی است. هر ملتی راهی پیموده و نغمه‌ای سروده است. شیعه معتقد است که زمامداری و رهبری دوره بلوغ علمی و عقلی جهان در دست یک رجل الهی از فرزندان پیامبر خاتم، یعنی فرزندی از اهل بیت می‌باشد. نام این رجل الهی «محمد بن الحسن» است که ملقب به «صاحب العصر، قائم و منتظر» است. این امام در سال ۲۵۵ ه.ق. در شهر سامرای عراق از صلب امام حسن عسکری به دنیا آمد. نام مادر بزرگش نیز «نرگس» (س) می‌باشد. بنابراین مصلح اسلام یک رجل شناخته شده با تمام خصوصیات و هویات ممکن یک فرد است.

همچنین مصلح ایدئولوژیهای دیگر متعلق به جهان دیگر است؛ اما مصلح اسلام یکی از بهترین فرزندان پیامبر خاتم است و از میان مردم و با حمایت آنها بر می‌خیزد و برای رساندن همه بشریت به ابعاد مختلف کمالات معنوی و مادی، کارهای عام المنفعه فراوان انجام می‌دهد. انتظار (Expectation) از نگاه اسلام، برعکس انتظارات ادیان و تمدنهای دیگر،

مسئولیت (Responsibility) آور است، همه مسئولند: امام، یاران و مدیران و آحاد مردم؛ بیکار و حاشیه نشین وجود ندارد.

تفاوت دیگر مصلحان و انتظار در انسانیت و معنویت است. اساس ایده مصلح اسلام، همانند پیامبر اسلام (ص) تربیت معنوی انسانها و توسعه فضائل اخلاقی و معنوی است؛ در حالی که هدف مصلح مسیحیت صهیونیستی که در سینمای غرب و فیلمهای هالیوود ترویج می‌گردد توسعه استکبار غرب و حفظ استضعاف شرق و جهان سوم است.

ویژگیهای رهبر و مصلح نمونه جهانی

امروزه، بسیاری از متفکران، فیلسوفان و متألهان تأکید دارند که برای نجات جهان از بحرانهای مختلف، بشر نیاز به یک حکومت جهانی دارد. تنها در این صورت است که جنگها، تنشها، استثمار، استعمار و بسیاری از عوامل نابرابری و بی عدالتی از میان بر می‌خیزد. اما نکته‌ای که در اینجا باید روشن شود، این است که چه کسی و با چه ویژگیها می‌تواند در رأس این حکومت قرار بگیرد. رهبر جهانی و کسی که می‌خواهد این مسئولیت بزرگ و مهم را بپذیرد باید نمونه باشد، یعنی متصف به صفات و خصوصیات ((Characteristics ذیل باشد:

۱) وی باید در ادعای خویش راستگو باشد؛ هنگامی که او بشریت را به وضعیت و زندگی بهتر دعوت می‌کند، و می‌گوید: وی آمده تا جهان را از چالشها، توحش (Brutality) و بی عدالتی (Unjustice) نجات دهد، باید در این ادعاها کاملاً صادق باشد و اگر نباشد، مطمئناً وی یک آدم خود فریب و خود متناقض (Will be defeated) خواهد بود.

۲) وی باید برنامه، قوانین درست، واقعی و مطابق با نیازهای فطری بشر داشته باشد. ما در تاریخ مصلحانی را شاهدیم که علاقه شدیدی به اصلاح در جامعه و برقراری عدالت داشته اند و نیز در ادعای خود صادق بودند؛ اما آنان در انجام اصلاحات و برقراری عدالت موفق نبودند، چرا که آنان فاقد برنامه یاد شده بوده اند.

۳) رهبر نمونه باید به لحاظ شخصیتی شجاع، دلیر و ترس باشد و هیچ نقطه ضعفی در خود نداشته باشد. زیرا در غیر این صورت با کمترین تهدید (Threat) و تطمیع (Allurement) از سوی دشمنانش مغلوب می‌گردد.

۴) آباء و اجداد این رهبر جهانی، باید همگی معروف به عصمت (innocence) و تقوا (chastity) باشند. زیرا فردی که متعلق به همچون خانواده باشد، به زودی می‌تواند اعتماد مردم را جذب نموده و از اطاعت و یاری آنان برخوردار گردد.

با اندک تأمل روشن می‌گردد که هیچ فرد معمولی (ordinary) نمی‌تواند رهبر نمونه برای حکومت پر از عدل و عقل جهانی باشد. بنابراین ما به صراحت تأکید می‌کنیم که تنها

شخصی که شایسته است و می‌تواند مسئولیت آن امر عظیم را بپذیرد، آخرین امام شیعه، حضرت مهدی (عج) است.

وی متصف به آن چهار شرط یاد شده است؛ چرا که وی ادامه دهنده دعوت الهی انبیاء و پیامبر خاتم (ص) است؛ هدف او نیز واقعاً نجات همه بشریت از بی عدالتی و نابرابری است؛ وی بهترین و کاملترین برنامه، که همان برنامه جامع اسلام است، را در دست دارد و مخاطب او نیز انسان «بما هو انسان» است.

وی شجاع، دلیر، معصوم و در نتیجه یک انسان کامل است و متعلق به معصوم ترین و با تقواترین خانواده، یعنی اهل بیت پیامبر (ص) می‌باشد و در این اوصاف بی همتا است و تاریخ نظیری برای آن سراغ ندارد. تنها او شایستگی رهبری حکومت عدل و واحد جهانی را دارد و مطمئناً آن را تشکیل خواهد داد.

با توجه به مطالب بیان شده هرگز نمی‌توان قبول کرد که مصلح و منجی موعود تورات و انجیل و وعده‌های آنها به آینده بهتر، منطبق با مصلح و منجی و مسیح مورد تبلیغ سینمای غرب و فیلمهای هالیوود باشد.

## موعود تورات

تورات در کتاب مزامیر باب ۳۹ در خصوص سرانجام جهان می‌گوید: «... شریران منقطع خواهند شد. و اما منتظران پروردگار وارث زمین خواهند بود».

در عبارت ۲۹ همان باب می‌گوید: «صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا ابد سکونت خواهند نمود». عهد قدیم در کتاب اشعیا در باب ۱۱ تحت عنوان نهالی از تنه یسی (Jesse) می‌گوید: «... بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین براستی حکم خواهد نمود. و جهان را به عصای دهان خویش (The rod of his mouth) زده، شریران را به نفعه لبهای خود خواهد کشت».

«و کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت».

«و گرگ (The Wolf) با بره (The lamb) سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم، و طفل کوچک آنها را خواهد راند».

«... و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد...».

خواننده باهوش و انصاف می‌داند که بشارتهای یاد شده نمی‌تواند منطبق به موعود تخیلی دولت غاصب صهیونیستی باشد که با بهانه رسیدن به ارض موعود فرزندان فلسطین را هر روز قتل عام می‌کند.

## موعود انجیل

عهد جدید نیز در خصوص آینده جهان پیش‌گویی و بشارتهایی دارد از جمله در باب ۲۵ می‌گوید: «اما چون پسر انسان در جلال (glory) خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید، آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست.»  
 «و جمیع امت‌ها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می‌کند به قسمی که شبان (shepherd) میشها را از بزها جدا می‌کند.»

«و میش‌ها را بر دست راست و بزها را بر چپ خود قرار دهد.»  
 «آنگاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید: بیایدای برکت یافتگان از پدر و من، ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث گیرید.»  
 خواننده آگاه، با اندک دقتی در این عبارات در می‌یابد که «فرزند انسان» در این عبارت انجیل نمی‌تواند «مسیح» باشد، زیرا تمام این بشارتها در خصوص آینده جهان است؛ بنابراین روشن است که این فرزند انسان در آینده خواهد آمد.  
 در مکاشفه یوحنا ی رسول آمده است که: «و هر که غالب آید و اعمال مرا تا انجام نگاه دارد، او را بر امت‌ها قدرت خواهم بخشید.»

«تا ایشان را به عصای آهنین (Rod of Iron) حکمرانی کند...»  
 همچنانکه اشاره شد، مصلح موعود در این عبارتها نمی‌تواند شخص «مسیح» باشد. زیرا که تمام افعال در این بشارتها متعلق به آینده جهان است، آینده‌ای که با ۲۰۰۸ سال پیش خیلی فاصله دارد؛ بنابراین این روزهای بهتر در آینده محقق خواهد شد و ما همچنان باید منتظر بمانیم. به عبارت دیگر این روزهای بهتر و بشارتها در تورات و انجیل نه در زمان مسیح و نه از آن زمان تا اکنون تحقق نیافته است.

## مهدی در قرآن

قرآن مجید با تأکید بر آنچه در کتاب مقدس آمده است، تصریح می‌کند که در سنت الهی، صالحان وارث زمین خواهند بود: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».

معنا و مفاد متبادر از ارث صالحان خداپرست (Theism)، آن است که در فصل و برهه از تاریخ، تدبیر، مدیریت و حکومت کره خاکی در دست آنان خواهد بود.  
 در پاره‌ای از روایات، این آیه به صراحت به امام عصر (عج) و یاران او تأویل شده است. نمونه آن روایات سخن امام باقر (ع) است که فرمود: «بندگان صالحی که خداوند در این آیه یاد می‌کند، مهدی و یاران او در آخرالزمان اند.»

روایات زیادی نیز از طریق شیعه و اهل سنت در این خصوص از پیامبر (ص) و امامان (ع) نقل شده است که همه آنها دلالت بر این دارند که سرانجام حکومت جهان بر اساس عدل و عقل به دست صالحان به امامت این رجل الهی (مهدی ع) می افتد. به عنوان مثال حدیث معروفی است از پیامبر (ص) که فرمود: «اگر از عمر جهان یک روز بیش نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند تا مردی را از خاندان من برانگیزد که زمین را پر از عدل و داد کند همان طور که از ظلم و جور پر شده است».

## احیای دین

قرآن سخن از زمان موعودی (Promised Time) به میان می آورد که در آن پیروان حقیقت (Truth) و مردان مدافع راستی، قدرت و حکومت جهان را در دست می گیرند و دین حق را در سرتاسر روی زمین جاری می سازند: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که آنان را در زمین جانشین (Successor) خود گرداند؛... و بعد از بیمناکیشان به آنان امن و امان (Security) بخشد...».

در این آیه سه وعده صریح به افراد مؤمن و صالح داده شده است:

۱) حکومت بر اساس حق و عدالت به استخلاف از ان خدا

۲) استقرار کامل دین و حکومت قوانین الهی بر سراسر جهان

۳) جایگزین شدن امنیت کامل و آرامش به جای عوامل ترس (fear) و ناامنی.

چون هنوز این وعده‌های الهی توسط هیچ پیامبری تحقق نیافته است، باید منتظر تحقق آنها بود؛ حضرت مهدی (عج)، مرد الهی و هدایت یافته، برای تحقق آنها، یعنی عدالت جهانی و احیای روح اجتماعی دین، قیام می کند؛ وی با کمک یاران عالم و عادل خود، ضمن محقق ساختن وعده‌های الهی، به آرزوهای دیرینه بشری جامه عمل می پوشاند.

طبرسی در مجمع البیان از امام سجاد (ع) نقل می کند که فرمود: «هُم وَلَهُ اَهْلُ الْبَيْتِ يَفْعَلُ اللهُ ذَلِكِ بِهَمِّ عَلِيٍّ يَدِي رَجُلٍ مِّنَّا وَهُوَ مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ» مفاد این روایت، که خداوند وعده‌های خود را به وسیله مهدی (عج) و یاران او محقق می سازد، از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نیز نقل شده است. سید هاشم بحرانی و فیض کاشانی در تفسیر این آیه با طبرسی و علامه طباطبایی هم عقیده اند.

## ظهور حق در جهان

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»  
عین این آیه که در سوره صف آیه ۹ و نیز در سوره فتح آیه ۲۸ با اندک تفاوتی تکرار

شده است، حکایت از مطلب مهمی می‌کند که این سه آیه برای آن نازل شده‌اند. ناگفته پیداست که این آیات مطلق‌اند و هیچ قید و شرطی در آنها دیده نمی‌شود، پس نمی‌توان گفت مفاد و تأویل آیات اختصاص به پیروزی‌های عصر پیامبر(ص) دارد، بلکه در آیات صراحت هست که سرانجام اسلام بر همه ادیان پیروز خواهد شد.

تردید نمی‌توان کرد که این موضوع تا اکنون تحقق نیافته است، اما پیشرفت سریع اسلام در جهان و نفوذ فراگیر آن به برکت انقلاب اسلامی در نقاط مختلف عالم و بعثت جدید پیامبر اسلام(ص) در غرب، و برخورد جاهلانه برخی غریبه‌ها، مشابه برخورد جهال زمان پیامبر(ص)، نشان از این دارد که اسلام روی در عالم گیر شدن دارد و وعده خدا تدریجاً در حال محقق شدن است.

امام باقر(ع) در تفسیر آیه مورد بحث می‌فرماید: «انَّ ذَٰلِكَ يَكُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَقْرَبَ بِمُحَمَّدٍ (ص)»: وعده‌ای که در خصوص ظهور حق و فراگیر شدن اسلام آمده است، هنگام ظهور مهدی(عج) تحقق می‌یابد. در آن زمان همه به حقانیت دین محمد(ص) اعتراف می‌کنند. امام صادق(ع) می‌فرماید: «به خداوند سوگند هنوز تأویل این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می‌یابد که «قائم ما» ظهور کند و به هنگام قیام او در سراسر جهان کسی که منکر خدا باشد باقی نخواهد ماند».

«جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»

پیروزی کامل حق و نابودی باطل با قیام امام عصر(عج) تحقق می‌یابد. امام باقر(ع) می‌فرماید: «هنگامی که امام قائم قیام کند، همه دولتهای باطل برچیده می‌شوند». قرآن در آیه دیگر می‌فرماید: «کسانی که چون در زمین قدرت و توانایشان دهیم، نماز را بر پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و سرانجام همه امور با خداوند است».

این آیه نیز در بعضی روایات به حضرت مهدی(عج) و یارانش و یا آل محمد(ع) به طور عموم تفسیر شده است. امام باقر(ع) می‌فرماید: «این آیه تا آخر از آن آل محمد و مهدی و یارانش است». در عبارت دیگر امام باقر(ع) می‌فرماید: «نحن هُم وَاللَّهِ: به خدا آنان ما هستیم».

دقت در این دو آیه نشان می‌دهد که خداوند حکومت و تدبیر امور عالم را به دست مهدی(عج)، این هدایت یافته الهی، می‌سپارد؛ دین حق را به طور کامل آشکار می‌سازد و به وسیله او و یارانش، بدعت و باطل و عوامل ترس و اضطراب را نابود می‌کند.

مسلماً ائمه(ع) که راسخ در علمند روشن‌ترین مصداق این آیات را بیان می‌کنند و آن توفیقات حضرت امام عصر(عج) در اجرای کامل دین حق است. به سخن دیگر قانون الهی

پیروزی حق بر باطل، در هر عصری مصداقی دارد و پیروزی پیامبر(ص) بر مثلث شرک، کفر و نفاق یک مصداق آن است و توفیقات حضرت ولی عصر(عج) در کوبیدن آن مثلث شوم، مصداق دیگر آن قانون عمومی است و همین قانون عمومی و الهی است که رهروان حق را در برابر دشواریها امیدوار می‌سازد و به آنان نیرو می‌بخشد.

هرچند پذیرش تحقق حکومت عدل جهانی واحد برای کسانی که همواره شاهد حکومت‌های طاغیان و یاغیان در نقاط مختلف جهان بوده‌اند، مشکل می‌نماید، اما باید دانست که همه این حکومت‌های باطل بر خلاف نوامیس آفرینش و قوانین جهان خلقت اند و آنچه با آنها هماهنگ است همان حکومت حق، عدالت و عقل است که به دست این رجل الهی سرانجام تحقق می‌یابد.

بنا بر این مفاد آیات «جا الحَقُّ و زهقَ الباطل» و «إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» پیش از آنکه یک وعده الهی باشد، یک قانون تکوینی به شمار می‌آید. یعنی وحدت و هماهنگی نظام جهان دلیل بر وحدت خدای انسان و جهان و اراده اوست و سرانجام بشر بعد از آزمودن نظام‌های پراکنده، به نظام واحد الهی باز خواهد گشت.

در واقع وحدت نظام آفرینش خود دلیل و خاستگاه بر عزیمت انسان از نظام‌های متفرق و باطل به سوی پذیرش یک نظام صحیح الهی در آینده نزدیک است؛ این همان مفاد و معنایی است که از بررسی آیات و روایات مورد بحث و مرتبط با قیام مصلح بزرگ جهانی، حضرت حجت(عج) استفاده می‌گردد.

### کارهای ویژه امام مهدی(ع) به طور انقلابی

دولت مهدی(ع) مبتنی بر احیای اهداف اسلام است و از اهداف اساسی آن تحولات انقلابی در امور علمی و فرهنگی، حقوقی، اجتماعی و اقتصادی است.

### انقلاب علمی و فرهنگی

مسئله‌ای که حرکت و انقلابی بدون یک تحول فکری و فرهنگی راه به جایی نخواهد برد. از این رو، آغاز کار آن حضرت با تعالی بخشیدن به سطح علمی و فرهنگی انسانها صورت می‌گیرد.

از برخی روایات استفاده می‌شود که، انقلاب علمی و فرهنگی به معنی واقعی کلمه به دست آن حضرت اتفاق خواهد افتاد. از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: «هنگام قیام امام قائم، قدرت عقلانی بشریت به دست او متمرکز و مجتمع خواهد بود؛ سطح فرزاندگی به طور انقلابی در آن زمان ارتقاء می‌یابد».



نظام ادیان الهی، به ویژه در اسلام که به نهایت استکمال خود رسیده است، در تکوین و تشریح بر حکمت و معرفت و عقل و علم استوار است. مطمئناً مهدی احیاگر آن نظام، اصلاحات خود را بر اساس موازین علمی و عقلی انجام خواهد داد. امام صادق (ع) فرموده است: «علم ۲۷ حرف است و آنچه امروز در دست بشریت است تنها ۲ حرف از آنهاست و ۲۵ حرف دیگر را حضرت مهدی (عج) به بشر خواهد آموخت».

با این حساب در عهد امام قائم (ع) تحولی شگفت در علم و فن رخ می‌نماید و درهای معارف مفید و سازنده به روی مردم گشوده می‌شود.

با توجه به روایت امام صادق (ع)، بشر امروز با همه پیشرفتهایش، در مدارج علمی زیاد پیش نرفته و هنوز نوسواد است و مراکز علمی و دانشگاه‌های دنیا در برابر دانشگاه امام قائم (ع)، به منزله مدارس ابتدایی اند.

### انقلاب حقوقی و اجتماعی

در عصر آن امام در اثر ارتقاء علمی و سطح بالای ایمان و تقوا و فرهنگ عالی، مردم با همدیگر، روابط حسنه برقرار خواهند کرد. روابط ظالمانه و جاهلانه دیگر فرو می‌ریزد. دیگر در جامعه قطب مترف و مسرف نخواهد بود. این از توفیقات ویژه و الهی امام عصر (ع) است که در زمان او سطح بالای رفاه فراهم خواهد بود و در عین حال در اثر تربیت الهی، مردم حیوان صفت نخواهند بود.

در آن دوران روح برادری بر زندگی مردم حاکم خواهد بود؛ هرکس هر چه نیاز دارد از جیب برادر انسانی یا ایمانی اش بر می‌دارد، بدون این که این شرمنده، یا آن ناراحت باشد. در آن روز هیچ همسایه‌ای از امور و مشکلات همسایگان دیگر غافل نخواهد بود. آن روز توصیه پیامبر (ص) درباره حق همسایه نسبت به همسایه دیگر کاملاً عملی خواهد بود. یاری و مدد رسانی به همدیگر از ضروریات اخلاقی دین است و حضرت مهدی (ع) به این امر توجه ویژه خواهد داشت. این گونه روابط حسنه با دیگران از نشانه‌های جامعه نمونه اسلامی است و باید یک روزی تحقق پیدا کند و آن روز بر اساس متون تورات، انجیل و قرآن زمان حضرت مهدی (ع) است.

### امنیت و تحولات رفاهی و اقتصادی

در عصر آن امام، در اثر تحولات و پیشرفت در فن و تکنیک و روابط حسنه و الهی و انسانی مردم با همدیگر و سطح بالای ایمان و تقوا برکات زمین و آسمان بر مردمان گشوده می‌شود و وعده الهی به نحو کامل تحقق می‌یابد: «اگر مردم آبادیها، ایمان می‌آوردند و در

پرتو آن تقوا پیشه می کردند، درهای برکات آسمان و زمین به روی آنها می گشودیم». منظور از برکات آسمان و زمین، نزول باران و باروری گیاهان و ثمردهی درختان میوه می باشد.

این امر سبب وفور نعمت در میان همه مردم می گردد و نکته دیگر این که آن حضرت همه مناسبات ناسالم اقتصادی را از میان بر می دارد.

حضرت به پیروی از جد و مولای خود امیرالمؤمنان (ع) همه قطایع را از میان می برد؛ زمین هایی که حکام جور در مالکیت خود درآورده، یا به این و آن اعطاء کرده اند، در اختیار همه قرار می دهد. امیرالمؤمنان بعد از رسیدن به حکومت فرمود: «به خدا سوگند اگر آن زمین ها و املاک را بیابم به مسلمانان باز می گردانم، اگر چه مهریه زنان یا بهای کنیزان شده باشد».

بدیهی است که در اثر اجرای دین حق و روابط حسنه عادلانه و مبارزه با عوامل بی عدالتی، زمینه و عوامل ترس و اضطراب از میان برداشته می شود و در نتیجه امنیت کامل فردی، روانی و اجتماعی برقرار می گردد.

از این جهت است که در دعای ندبه (مفاتیح) می گوئیم: «این امان الارض»، کجاست آن امن و امان که بشر امروز تشنه آنند و نمی یابند؟ جهان ناامن امروز را او امنیت خواهد بخشید. مهدی احیاگر دین، مصداق بارز «الذی اطعمهم من جوع و امنهم من خوف» است. امنیت جزو نیازهای اساسی انسان و فصل مشترک رفع همه مشکلات و بحرانهای اوست و حضرت حجت (ع) آن را به نحو کامل برقرار خواهد ساخت.

رفع بحرانهای اخلاقی، معنوی و روانی شکی نیست که بشر امروز از بحرانهای اخلاقی، معنوی و روانی رنج می برد؛ رذائلی مانند میگساری، شهوترانی، کودک آزاری و تزلزل کانون خانواده در امور فردی و در سطح امور سیاسی و اجتماعی هم، محروم کردن ملتها از حقوق مسلم و مزایای فن آوری، به حد بحران رسیده است.

انسان معاصر، با وجود پیشرفتهای فراوان در عرصه های مختلف، گرفتار مشکلات روحی و روانی از قبیل اضطراب (Dgitation)، روان پریشی (Anguish)، اندوه و افسردگی (Distress) و بیماریهای دیگر است. انسان متجدد و علم زده، هویت واقعی خود را از دست داده است و خویشتن خویش را گم کرده است. پوچ گرایی، احساس تنهایی و بی معنا بودن، امروز انسان را رنج می دهد.

تمام این مشکلات و بحرانها، ناشی از آن است که آدمی، حقیقت انسانی خود را نشناخته است و تکیه گاه و نقطه آرامش خود، یعنی خداوند متعال را از دست داده است.

امام عصر (ع) با احیاء دین جامع اسلام، به طور خاص و ویژه به رفع بحرانهای یاد شده

توفیق می‌یابد.

در آن روز، «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» به طور کامل تحقق می‌یابد. از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود: «لَا يَبْقَى عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ بَيْتٌ مَدْرٌ وَلَا وَبَرٌ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ كَلِمَةَ الْإِسْلَامِ» در آن روز اسلام به همه خانه‌های سنگی و خیمه‌ای وارد می‌گردد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «این حقیقت هنگام ظهور قائم (عج) تحقق می‌یابد؛ در آن روز در سراسر جهان کسی که منکر خدا باشد باقی نخواهد ماند».

نشانه‌های تحقق تدریجی این حقیقت هم اکنون پیدا است. شواهد وقراین بیانگر این است که انسان قرن بیست ویکم به نقش دین در حل بحرانها پی برده است و به سوی آن گرایش پیدا می‌کنند. امروز بعد از شکست مکتب پوزیتیویسم در عرصه علم و دانش و مکتب مارکسیسم کمونیسم در عرصه اقتصاد و اندیشه، مجال تأمل در امور معنوی و بازگشت به سنت‌های آسمانی فراهم گردیده است.

در واقع این رفع بحرانها در عصر حضرت مهدی (عج) نتیجه برقراری نظام عدل و عقل و رشد علمی است که تحقق می‌یابد. دین همواره پشتوانه اخلاق بوده و هست. خدا خالق انسان، راهنما و بر اعمال او ناظر است. پیامبران الهی برای تحقق فضائل اخلاقی و تحکیم مبانی فطرت مبعوث شده اند. علی (ع) می‌فرماید: «... خداوند پیامبرانش را از پی یکدیگر به سوی آنان گسیل داشت تا ادای عهدی را که خداوند در ازل با آنان بسته بود از آنان بخواهند... دینه‌های عقل آنان را برایشان برانگیزند، و نشانه‌های قدرت الهی را به آنان نشان دهند».

همچنانکه پیشتر بیان گردید، این بیداریها و هدایت یافتگی‌ها به دست مهدی به اوج خود می‌رسد؛ در آن دوره عشق و محبت به خدا، مبنا و انگیزه عمل به دستوره‌های الهی می‌گردد؛ در نتیجه فضائل اخلاقی جای ذرائع و اعمال بولهوسانه را می‌گیرد و بحرانهای اخلاقی یاد شده از میان بر می‌خیزند. زیرا که در آن روز انسان از سر اختیار و عشق و معرفت به دستورات الهی گردن می‌نهد؛ در آن عصر گوش انسان هدایت یافته به ندای وجدان، فطرت و انبیاء است، نه ندای شیطان و شهوت و لذت.

با ظهور و غلبه حق به طور تمام به دست مهدی (ع)، خداوند «سکینه» و آرامش و اطمینان خاطر را بر قلب مؤمنان و یاران مهدی نازل می‌فرماید تا از شك، وحشت و تزلزل در طوفان حوادث رها شده و ثابت قدم گردند: «اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند».

با گرایش و توجه و تکیه به خداوند متعال، روان پریشی‌ها و اضطرابها جای خود را به آرامش و سکینه می‌دهند. قرآن کریم غفلت و رویگردانی از خدا را علت زندگی تنگ و سخت می‌داند: حال که اعراض از خدا، معیشت سختی را به دنبال دارد، پس باید توجه به

خدا و ایمان به او راحتی و رفاه را به همراه خود داشته باشد و این مسلماً همراه آرامش و اطمینان خواهد بود.

### هدایت باطنی و معنوی امام

همچنانکه پیشتر اشاره شد، اسلام به پرورش و تربیت فضائل معنوی و انسانی، اهمیت فراوان قائل است؛ در جهان امروز، انسانیت و معنویت و آخرت به فراموشی سپرده شده است و همین مسئله نتایج بحرانی به بار آورده است.

امام عصر(ع) با احیاء اسلام، به این مهم توجه ویژه خواهد داشت؛ اسلام و پیشوایان معصوم آن، پیوسته اساس ایده خویش را بر همین تربیت معنوی انسانها قرار می‌داده‌اند. پیامبر(ص) با تربیت معنوی افرادی چون سلمان، ابوذر، مقداد و...، توانست آن انقلاب و تحول با معنا را در منحنی‌ترین نقطه جهان به لحاظ اخلاقی و معنوی، ایجاد نماید. امام عصر(ع) نیز که دقیقاً به روش و سیره پیامبر(ص) رهبری می‌نماید، با تربیت معنوی و اخلاقی یاران و افراد به اهداف بلند خود دست خواهد یافت. این همان حیات طیبه و معنوی است که در اثر استجاب دعوت خدا و پیامبر(ص) به دست می‌آید: «ای مؤمنان چون خدا و پیامبر(ص)، شما را به سوی آنچه که حیات بخش شماس است فرا خواندند پاسخ گوید؛ که زنده خواهید شد.»

با توجه به مفاد آیه، رهبر معصوم و الهی، چون معلم آگاه و مهربان، حقایق و مصالح لازم در تربیت معنوی انسان را با بیانی بسیار روشن برای بشر باز می‌گویند، تا سعادت‌مند شوند و به حیات طاهر و طیب برسند. «پس دین: مجموعه حقایق و معارفی است بالاتر از فهم عادی ما انسانها که خداوند آنها را به وسیله پیامبر و رهبران معصوم بیان می‌کند تا در درون ما حیات معنوی را به وجود آورد و سعادت همه جانبه ما را تضمین کند.»

با عنایت به آنچه بیان گردید، امام عصر(ع) چون به مقام ولایت و هدایت به امر، رسیده است، می‌تواند کارهای ویژه انجام دهد، کارهایی که از نظر مردم عادی، ناممکن و شگفت‌انگیز می‌نماید.

به شهادت قرآن «آصف ابن برخیا» از اوصیای سلیمان(ع) توانست به نحو شگفت و بدون استفاده از زمان عرفی تخت «ملکه سبا» را به پیش سلیمان حاضر نماید، چرا که او متعلم به علم کتاب بود.

امامان معصوم ما و در رأس همه امام عصر(ع) و قائم آنان در مرتبه بس والای آن از امثال آصف، قرار دارند. شاهد این مطلب آیات و روایات معتبر است که به برخی از آنان پیشتر اشاره رفت.

در حدیثی از پیامبر (ص) چنین آمده است که «ابوسعید خدری» می‌گوید: «من از معنای «الذی عنده علم من الكتاب» از محضرش سؤال کردم فرمود: «او وصی برادر من سلیمان ابن داود بود». عرض کردم: «و من عنده علم الكتاب» از چه کسی سخن می‌گوید؟ فرمود: «ذاک اخی علی ابن ابی طالب» او برادر من علی ابن ابی طالب است.»

توجه به تفاوت علمی از کتاب «علم من الكتاب» که علم جزئی را می‌گوید و علم کلی «علم الكتاب»، روشن می‌کند که میان علی (ع) و امام عصر (ع) و آصف چه اندازه تفاوت وجود دارد.

پس توفیقات خاص و کارهای ویژه امام مهدی (ع) کاملاً پذیرفتنی و معقول می‌نماید و جای استبعاد و تردیدی برای مؤمنان وجود ندارد.

### امام مهدی (ع) و داستان خشونت

از روایات و مدارک دینی، استفاده می‌شود که روش حضرت مهدی (ع)، عیناً همان روش و سیره پیامبر (ص) است.

به فرموده قرآن پیامبر اسلام (ص) با نرمی و عدم خشونت، فرهنگ پیش از خود را بی اعتبار کرد و اهداف الهی خویش را پیاده فرمود.

آمار کشتگان جنگ‌های زمان پیامبر (ص) بر اساس منابع تاریخی، حدود ۱۳۰۶ نفر می‌باشد. این آمار با آمار مقتولان جنگ‌های صلیبی، مسیحیان و دیگر سردمداران جهان قابل مقایسه نیست. و بنابراین نسبت خشونت به اسلام و این که اسلام به وسیله شمشیر در قلب مردم جای گرفته است، کاملاً بی اساس و مخالف موازین علمی است.

امام مهدی (ع) نیز با تاسی کامل از سید و جد خویش، پیامبر اکرم (ص)، روشی نرم و عدم خشونت را در پیش خواهد گرفت. واژه «شمشیر» و «سلاح» در اخبار مهدی (ع) در حقیقت نشانه و بیان نمادین از قدرت الهی است. اگر جنگ و نزاعی هم باشد، مسلماً برای احقاق حق، رفع موانع عدالت گسترده و جلوگیری از فساد و آلودگی در روی زمین است.

بنابراین، روایات و اخبار خشونت در قیام و انقلاب مهدی (ع) همانند نسبت خشونت به پیامبر اسلام (ص) از جعلیات دشمنان اسلام و بی اعتبار است.

### آخر الزمان و وحشت غرب

رسانه‌ها و عوامل سیاست‌گذاری مسیحیت صهیونیستی بالاترین نقش خود را در پیش‌گویی از آینده جهان و بشر ایفا می‌کنند. موضوع پیش‌گویی‌ها، ظهور حضرت مسیح (ع) بعد از یک سری جنگ‌های بزرگ است. هدف آنان تأثیرگذاری مثبت در ملل غرب به ویژه

آمریکا، و ایجاد انفعال در میان مسلمانان است. یهودیان آمریکا و متحدان مسیحی آنان با ساختن فیلم‌های سینمایی با مضمون «ظهور ناجی و سفر به سرزمین موعود»، نقشه‌های جهانی صهیونیسم و قوم یهود را مطرح می‌کنند. غالب فیلم‌های هالیوود، آینده جهان را ترسناک و مملو از وحشت، مرگ و خون ریزی جلوه می‌دهند. در بیشتر این فیلم‌ها، آمریکا قهرمان است و مردم غرب را از سوی دشمنان خیالی و فرضی می‌ترساند. این دشمنان فرضی و خیالی به نظر آنان اعراب مسلمان هستند که دنیا و تمدن بشری را به نابودی تهدید می‌کنند. «در این میان منجی که به نظر آنان کسی غیر از مسیح نیست، ظهور می‌کند و حکومت هزار ساله دیگر را آغاز می‌کند».

در این زمان اسرائیل بسیار قدرتمند است و یهودیان جهان در اسرائیل متمرکز شده‌اند. کاملاً پیداست که قصد این گونه سیاست‌گذاران از مسیحیان افراطی و صهیونیستی و عوامل سینمایی آنان، جوسازی سیاسی و فرهنگی علیه اعراب و مسلمانان و کمک به توسعه طلبی صهیونیست جهانی است. این نوع نگاه به آینده آرزوی قلبی یهودیان آمریکا و حامیان مسیحی آنان است که فی‌المثل در نظایر فیلم «نوستر آداموس» ظهور و بروز می‌یابد. تنها مستند این تصویر از آینده جهان مکاشفه یوحنا رسول در خصوص ظهور دجال و مقابله فرزندان خدا با اوست.

فیلم‌سازان سینمای غرب، یعنی عوامل صهیونیست جهانی فرزندان خدا را بر خلاف ظاهر کتاب مقدس به صهیونیست‌های مسیحی تأویل می‌کنند که با یأجوج و مأجوج یا همان ضد مسیح یا دجال می‌جنگند. همچنین این به اصطلاح فرزندان خدا با نیروهای اهریمنی، که از شرق می‌آیند و می‌خواهند کشور اسرائیل را نابود سازند، می‌جنگند.

دولت بوش با ابطال خود اتحاد سستی در میان صهیونیسم مسیحی و صهیونیسم یهودی برقرار کرده است تا «اپو کالیس یا پروژه آخرالزمان» به سرانجام برسد.

طراحان این پروژه طوری طراحی می‌کنند که مسلمانان و یهودیان در جنگ‌های خونین همدیگر را نابود کنند و جهان در دست امت عیسی (ع) که به زعم صهیونیسم مسیحی تنها مؤمنان اهل نجات محسوب می‌شوند قرار گیرد.

این تفسیرها و تلاش‌ها، با هیچکدام از تعالیم و اخبار غیبی سه دین آسمانی، یهودیت، مسیحیت و اسلام، سازگاری و هماهنگی ندارد؛ بلکه اینها آرزوهای قلبی و اهداف توسعه طلبانه استکبار جهانی به رهبری شیطان بزرگ آمریکا و رهبران صهیونیست جهانی است. خنده دار است که این سردمداران کافر و دشمنان بشریت و قاتلان خون هزاران نفر بی‌گناه در افغانستان خود را در صف اول مشتاقان ظهور منجی قلمداد کنند. در حالی که هدف آنها مبارزه با دکترین راستین مهدویت است. چرا که اینها می‌دانند که جهان در انتظار موعود

راستین تورات، انجیل و قرآن هستند که مطمئناً او خواهد آمد و جهان را پر از عدل، عدالت و امنیت، صلح و دوستی می‌کند و عرصه را بر ظالمان، جباران و قاتلان و جانیان تنگ می‌سازد بنابراین هدف دیگر اینها از طرح موضوعات آخرالزمان در رسانه‌های خود سرپوش گذاشتن بر وحشت و اضطراب درون خود می‌باشد.

### نتیجه

مصلح کل و موعود کتب و ادیان آسمانی و اهداف او تنها با پیامبران و اولیاء معصوم الهی قرابت و شباهت دارد. این منجی زنده و موجود است و به برکت اهل بیت (ع) شیعه اثنی عشری، فقه، سیاست و فرهنگ پویای خود را تحت تأثیر ولایت و هدایت باطنی آن حجت زنده به جهان عرضه می‌کند. راه حل همه معضلات فکری و عملی و بحرانهای اخلاقی و روانی با تکامل عقل و علم و فن در دولت مهدی نهفته است و به اعتقاد مردم جهان، فرجام جهان مملو از امید و امنیت و عدالت است.

غرب مستکبر با استفاده از تمام امکانات و ابزار و هنر و سینما و جعل منجی کاذب به جنگ منجی راستین و تحریف او آمده است.

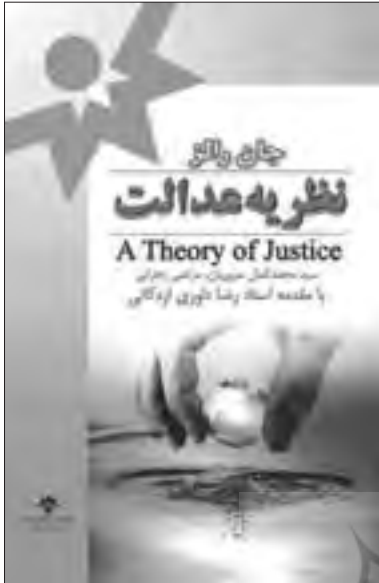
پس بر منتظران و مظلومان راستین و رهبران فکری، سیاسی و فرهنگی آنان است که با تمام وجود، تمام امکانات و با بهره گرفتن از قلم، بیان و هنر در معرفی و تبیین درست مهدی منتظر (عج)، این منجی الهی و راستین، بکوشند. کم کاری و کوتاهی آثار زیانباری خواهد داشت. او خواهد آمد؛ ما منتظریم. «انهم یرونها بعیداً و نراه قریباً» «الیس الصبح بقریب»

والسلام

- پی‌نوشت‌ها:
۱. جهت آگاهی از فهرست برخی از این کتب ر.ک. Dar the Roots of, rah-e hag, First Edition ۱۴۰۲, Religion, Qum, Iran., p ۲۲۰.
  2. H. A. R. Gibb and J. H. Kramers. (1953) Shorter Encyclopaedia, Leiden: Netherlands
  ۳. علی ناصف، شیخ علی منصور، (۱۳۹۵ ق) التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول، بیروت: منشورات دارالفکر (چاپ چهارم)، ج ۵ صص ۳۶۰
  4. H. Feridouni, Edited by Aladdin Pazargadi. (1361) Imam Mahdi (A.S.). The last Refuge of Human Beings, First Published by Foreign Department of Bonyad Be'that., p.17
  5. The Holy Bible, 1962, Edited by Herbert G. May and Bruce M. Metzger, New York, Oxford University Press, Apsalm 37:9
  6. Ibid
  7. Isiah
  8. Matthew 25:31-55
  9. The Revelation to John 2:26-27
  ۱۰. سوره انبیاء آیه ۱۰۵
  ۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۹۵ ق) مجمع البیان، تهران: منشورات اسلامیة ج ۷ ص ۶۶؛ طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۳ ق) المیزان، بیروت: منشورات مؤسسه اعلمی (چاپ دوم)، ج ۱۴ ص ۳۳۰؛ مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان. تفسیر نمونه، تهران: انتشارات دارالکتب (چاپ اول)، ج ۱۳ ص ۵۱۳
  ۱۲. علی ناصف، شیخ علی منصور، پیشین، ج ۵ ص ۳۴۳؛ H. A. R. Gibb and J. H. Kramers (۱۹۵۳) Shorter Encyclopaedia, Leiden: Netherlands
  ۱۳. سوره نور آیه ۵۵
  ۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، پیشین، ج ۷ ص ۱۵۲؛ طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۲ ص ۱۷۸
  ۱۵. الحسنی البحرانی، سید هاشم، (بی تا) البرهان فی تفسیر القرآن، قم: نشر مطبوعاتی اسماعیلیان، ج ۳ ص ۱۵
  ۱۶. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تهران: منشورات اسلامیة (چاپ پنجم)، ج ۲ ص ۱۷۸
  ۱۷. سوره توبه آیه ۳۳
  ۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، پیشین، ج ۴ ص ۲۵
  ۱۹. صدوق، ابی جعفر محمد، (۱۴۲۲ ق) کمال الدین و تمام النعمه، بیروت: منشورات اعلمی (چاپ دوم)، ص ۶۰۸
  ۲۰. سوره اسراء آیه ۸۱
  ۲۱. الحویزی، شیخ علی عبدعلی ابن جمعه العروسی، (بی تا) نورالتقلین، قم: منشورات اسماعیلیان، ج ۳ ص ۲۱۲؛ فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تهران: منشورات اسلامیة (چاپ پنجم)، ج ۱ ص ۹۸۶
  ۲۲. سوره حج آیه ۴۱
  ۲۳. الحویزی، شیخ علی عبدعلی ابن جمعه العروسی، پیشین، ج ۳ ص ۵۰۳؛ فیض کاشانی، ملا محسن، پیشین، ج ۲
۲۴. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱۴ ص ۳۹۵؛ طبرسی، فضل بن حسن، پیشین، ج ۷ ص ۸۸
  ۲۵. صدوق، ابی جعفر محمد، پیشین، ج ۲ ص ۶۷۵
  ۲۶. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ق) بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۵۲ ص ۳۵۲
  ۲۷. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸ ق) الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲ ص ۱۷۴؛ H.A.R Gibb and J.H.P ۳۱۳
  ۲۸. نهج البلاغه، ص ۴۲۲
  ۲۹. سوره اعراف، آیه ۹۶
  ۳۰. ر.ک. H.A.R. Gibb and J.H.P. ۳۱۰-۱۳
  ۳۱. نهج البلاغه ص ۵۷
  ۳۲. سوره قریش، آیه ۴
  ۳۳. سوره آل عمران آیه ۱۹
  ۳۴. طبرسی، فضل بن حسن، پیشین، ج ۴ ص ۲۵
  ۳۵. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۹ ص ۲۵۵؛ تفسیر صافی، ج ۱ ص ۶۹۶
  ۳۶. نهج البلاغه، پیشین، ص ۴۳
  ۳۷. سوره فتح آیه ۴
  ۳۸. سوره طه آیه ۱۲۴
  ۳۹. سوره انفال، آیه ۲۴
  40. Dar Rah-e Hagh, Roots of Religion, p:182
  ۴۱. سوره نمل، آیه ۴۰
  ۴۲. سوره رعد، آیه ۴۳
  ۴۳. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، پیشین، ج ۳ ص ۴۲۲
  ۴۴. ر.ک. مجلسی، محمد باقر، پیشین، ج ۵ ص ۲۲۴؛ صدوق، ابی جعفر محمد. پیشین، کمال الدین ج ۲ ص ۳۵۱
  ۴۵. آل عمران، آیه ۱۵۲
  ۴۶. نصیری، محمد، ۱۳۸۴، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، قم: مرکز برنامه ریزی و تدوین متون درسی، ص ۱۲۴
  ۴۷. کارگر، رحیم، ۱۳۸۳، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی (عج)، ص ۲۰۰؛ سید صادق شیرازی، شمیم رحمت، صص ۲۱-۲۴
  ۴۸. علوی طباطبایی، سید ابوالحسن، ۱۳۸۶، هالیوود و فرجام جهان، تهران: هلال، ص ۱۱۴
  ۴۹. همان، ص ۱۶۵
  ۵۰. کتاب مقدس، رساله اول، یوحنا ی رسول
  ۵۱. علوی طباطبایی، پیشین، ص ۱۵۵



## نظریه عدالت



همه پژوهشگران و خوانندگان منتظر روزی بودند تا بتوانند با آراء و نظریات جان رالز که یکی از بزرگترین فیلسوفان سیاسی است و در جامعه علمی از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار می‌باشد آشنا شده و ترجمه‌ای روان و شیوا از وی در اختیار داشته باشند، گرچه آراء و نظریات جان رالز به‌طور پراکنده در مقالات، پایان‌نامه‌ها، روزنامه‌ها و مجلات قابل دسترس بود ولی اکنون برگردان جامع نظرات وی در کتاب نظریه عدالت در دست پژوهشگران و خوانندگان ایرانی است. در طول حدود سی سال که از انتشار کتاب رالز می‌گذرد،

پیشکسوتان ترجمه در ایران، به سمت ترجمه این اثر ارزشمند نرفتند، شاید مهمترین دلیل آن پیچیدگی علمی و محتوایی، و عمق فلسفی این اثر بود.

در خصوص کم و کیف و چندوچون نسبت مباحث اثر فوق با جامعه ایرانی باید بسیار تأمل کرد که با ما چه نسبتی دارند؟ آن مباحث و نظریات فلسفی و اجتماعی و معرفت‌شناختی و...، ابزارآلات فیزیکی و مادی هم نیستند که بتوانیم از آن استفاده کنیم یا از روی آنها بسازیم. در نتیجه بیشترین فایده‌ای که بر آنها مترتب است اطلاع از تجربه‌های بشری و احتمالاً بهره‌گیری از برخی نکات روشی و روش‌های نظریه‌پردازی است، درحالی که اکنون در مجامع علمی، تقریباً تمام محتوای مباحث و بخش عمده‌ای از دغدغه‌های ما را به خود اختصاص داده‌اند. ترجمه اثر جان رالز، انتشار آن در قالب کتاب، و فهم نظریه عدالت رالز، کار بسیار مهمی است. این مسیر در حوزه فلسفه سیاسی عموماً و در حوزه مباحث عدالت خصوصاً، باید طی می‌شد؛ اما آخر این مسیر دشوار و طاقت‌فرسا، هنوز اول راه است و برای جامعه علمی ایران از باب «مقدمه واجب» باید انجام می‌شد، اما فایده عملی در جهت تحقق عدالت بر آن مترتب نیست. زحمت طاقت‌فرسایی که پژوهشگران ارجمند سیدمحمدکمال سروریان و مرتضی بحرانی در طول پنج ماه کشیدند، از روال عادی ترجمه یک کار علمی خارج بود ولی دو محقق و مترجم جوان اما با تجربه، با تکیه بر خودباوری و با همتی ستودنی، به نحو شایسته‌ای این مهم را به انجام رساندند.



## نظریه‌های ارتباطات

در وضع کنونی با رشد علوم انسانی، همه شاخه‌های این معرفت به نوعی با ارتباطات و نظریه ارتباطات ربط و پیوند پیدا کرده است و گویی ارتباطات شاهراهی است که طی آن، همه نظریه‌های مطرح در علوم انسانی از آن می‌گذرد و به گونه‌ای ممتاز کاربرد خود را در جامعه به اثبات می‌رساند. «علم ارتباطات» عنوانی است که مکرراً به موج تحقیقات ارتباطی اخیر اطلاق شده است. اثر حاضر در چهار جلد خط سیر نظریه‌های ارتباطات را در قرن گذشته ارائه می‌دهد و آنچه از مطالب جمع‌آوری شده در این اثر به سادگی مشهود است، اینست که

نظریه‌پردازی در باب ارتباطات از هر زاویه‌ای که صورت گیرد، امری ترکیبی و میان‌رشته‌ای است و شامل کنار هم قراردادن انواع مختلف دانش است که در عرصه‌های مختلف علمی سازمان یافته و توسعه پیدا کرده‌اند. گرچه دامنه موضوعات این کتاب در حوزه وسیعی امتداد دارد ولی خط سیری که این کتاب در پیش گرفته، خط سیر واحدی است که طی آن یکی از راه‌های ممکن برای مشاهده توسعه نظریه ارتباطات دنبال می‌شود و هدف ارائه تصویری گسترده از علم ارتباطات است که بخشی از تمام دیدگاه‌های مطرح شده و زمینه مشترک آنها را در خود جای می‌دهد. ظهور صنعت ارتباطات، هم‌زمان شکل جدیدی از ارتباط جامعه انسانی را در سطح جهانی فراهم کرد. جهانی شدن به معنای روندی که امکان ارتباط هم‌زمان حاضر با غایب را فراهم کرده است، زمینه تعامل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را بین جوامع مختلف فراهم آورده است. اگر بپذیریم که نظریه‌ها و مفاهیم، ناظر بر واقعیت‌های زیست محیط فرهنگی و اجتماعی است، تغییر در ارتباطات زیست محیط جوامع، بستر متفاوتی فراهم می‌آورد که به طور حتم منشأ تغییرات جدی در نظریه‌های حوزه علوم انسانی و به طور خاص علوم ارتباطات ایجاد می‌کند. مباحث این کتاب می‌تواند بسیاری از دغدغه‌های دانشگاهی و اجرایی را در خود هضم نماید ولی با این وجود، توجه به خاستگاه‌های مطالب ارائه شده یکی از ضرورت‌های مطالعه و کاربست آن است و لذا ضروری می‌نماید که پژوهشگران، دانشجویان و کارگزاران ایرانی در بررسی و استفاده خود از این اثر و جوه معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی آن را مدنظر قرار دهند.